



بررسی جامعه شناختی تأثیر قدرت سیاسی بر شهرنشینی و شهرسازی در دوره پهلوی اول

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۹/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۷/۱۵

شبنم بوستانچی

گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
shabnam_60@ymail.com

سیدرضا صالحی امیری

گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
dr.salehiamiri@gmail.com

رضا علی محسنی

گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران mohseni.net14@gmail.com

چکیده

مقدمه: در این مقاله از منظری جامعه شناختی به بررسی تأثیر قدرت سیاسی بر شهرنشینی و شهرسازی در عصر پهلوی اول پرداخته شده است. رضاشاه با تحولاتی که در نظام آموزشی، اداری، مالی و نظامی و ایجاد کرد، شکل و محتوای جامعه و روابط اجتماعی را دگرگون ساخت. شروع تحولات شهرسازی و شهرنشینی به مفهوم جدید آن نیز تا حد زیادی مربوط به این روزگار است.

روش پژوهش: با استفاده از روش تاریخی و تکنیک اسنادی به عنوان رویکردی غالب به این موضوع پرداخته شده است. در این پژوهش مهمترین منابعی که مورد استفاده قرار گرفته است؛ کتابها، مقالات و مجلاتی هستند که به بررسی مقوله قدرت و قدرت سیاسی در عصر پهلوی اول پرداخته اند و از آنجا که قدرت سیاسی در این مقاله دولت مطلقه در نظر گرفته شده؛ بر این اساس دولت شامل مدیران (نخبگان اداری)، ارتش، سیستم اداری و بووکراسی و دستگاه قضایی می‌باشد. همچنین از مقالات و کتابهایی که در ارتباط با شهرسازی و شهرنشینی و کلاً تاریخ سیاسی و اجتماعی دوره پهلوی اول می‌باشد بهره گرفته شده است.

یافته‌ها: ساختار قدرت سیاسی ایران در دوره پهلوی اول با زیرساخت‌هایی چون دولت مطلقه و نهادهای سیاسی رابطه تنگاتنگی دارد زیرا نظام سیاسی این دوره به اتکای سلطه مطلقه خود، عالی ترین قدرت را در جامعه اعمال می‌کرد و تصمیماتش برای هم خرده نظام‌ها الزامی بود. از سوی دیگر، بسیج منابع برای نیل به اهدافی که حاکمیت داشت توسط نهادهای سیاسی آن هدایت می‌شد. استقرار حکومت رضاخان سرآغاز عصری جدید در تاریخ شهرنشینی و شهرسازی ایران است.

نتیجه گیری: دولت مطلقه همواره سعی داشت در عرصه مدیریت شهری قدرت خود را به نحوی در فضا متجلی سازد. این قدرت نمایی به صورتهای گوناگون از جمله در قالب قصرها و کاخهای باشکوه، معابد عظیم، قلعه‌های حصین، راهوارها و مرکوبهای فاخر، متجلی شده است. در این دوره بیست ساله برای تجلی کالبدی به عناصر خاصی توجه شده است که مهمترین آنها عبارت بودند از کاخها، مجسمه‌ها، پادگانها و همچنین اسامی شهرها، خیابانها و میادین.

واژگان کلیدی: قدرت سیاسی، شهرنشینی و شهرسازی

مقدمه

در این مقاله از منظری جامعه شناختی به بررسی تاثیر قدرت سیاسی بر شهرنشینی و شهرسازی از طریق لایه‌های قدرت سیاسی پرداخته شده است. استقرار حکومت رضاخان سرآغاز عصری جدید در تاریخ شهرنشینی و شهرسازی ایران است. این عصر که با عناوین مختلفی چون «دوران تجدد طلبی»، عصر «سلطه شبه مدرنیسم»، ... و مانند آن خوانده شده است، سر منشأ کلیه تحولات اقتصادی اجتماعی قرن حاضر تلقی شده و پیدایش غالب نهادهای نوین به این دوران باز می‌گردد. شروع تحولات شهرسازی و شهرنشینی به مفهوم جدید آن نیز تا حد زیادی مربوط به این روزگار است.

سال‌های سلطنت رضاشاه، دوران پی‌ریزی یک نظام جدید یعنی دولت مطلقه بود. وی پس از رسیدن به سلطنت در سال ۱۳۰۴ ش، در صدد بود با ایجاد و تقویت سه رکن سازنده و نگهدارنده اش یعنی پشتیبانی دربار، ارتش و بوروکراسی دولتی، برای تثبیت قدرت مطلقه خود گام بردارد. بنا به گفته یرواند آبراهامیان: "برای نخستین بار پس از حکومت صفوی‌ها، دولت می‌توانست به واسطه سه ابزار مناسب نهادهای حکومتی، قانون و زور (سلطه) جامعه را کنترل کند". (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۱۶۹) طبعاً لازمه تکوین دولت مطلقه از میان برداشتن تکتور و پراکندگی گروهها و منابع قدرت محلی و نیمه مستقل بود. اما آنچه مورد نظر می‌باشد، این است که در این مقاله قدرت سیاسی را به شکل دولت مطلقه در نظر می‌گیریم. سوال اصلی تحقیق براین اساس است: قدرت سیاسی (دولت مطلقه) تا چه اندازه بر شهرنشینی و شهرسازی (در دوره پهلوی اول) تاثیرگذار بوده است؟

مدعی دیگری را در قلمرو خود بر نمی‌تابد و هیچ محدودیتی را برای اعمال قدرت خود نمی‌شناسد. با توجه به همین نکته، دولت مطلقه را شکلی از دولت می‌دانند که در چارچوب آن قدرت سیاسی به شکل بی‌سابقه‌ای فشرده یا متمرکز می‌شود. (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۱۷۳-۱۷۲) به عبارتی دولت مطلقه «حکومتی است که در آن مردم (حکومت شونده‌گان) دارای نماینده، حق رای یا هرگونه سهم دیگری در اداره امور کشور نیستند. نامحدود بودن قدرت فرمانروا از لحاظ قانونی به نحوی که کاملاً در کار خودمختار باشد». (بابائی، آقائی، ۱۳۶۵: ۴۰).

به طور کلی، حاکمیت محور اصلی نظریه دولت مطلقه بوده است. اول اینکه گفته می‌شد که وجود دولت نیازمند وجود شخصی واجد حاکمیت است. دوم اینکه این شخص به نحو کامل در پادشاه تجلی می‌یافت. و سوم اینکه نظریه دولت مطلقه تنها نظریه‌ای بود که به نحو کامل منطق مفهوم حاکمیت را می‌پذیرفت و آن اینکه حاکمیت متضمن تفوق و تسلط است. (وینست، ۱۳۷۶: ۸۴).

از این دیدگاه، مهمترین ویژگیهای دولت مطلقه مدرن عبارت اند از: شخصی شدن قدرت سیاسی، غیررسمی شدن سیاست و سیاستگذاری، ضعف شدید نهادهای سیاسی و مدنی، خفقان و اختناق سیاسی، فساد سیاسی، دایره بسته تصمیم‌گیری سیاسی، ناسیونالیسم ارتجاعی و پدرسالانه. (Lowie, 1927: 112-113).

قدرت سیاسی در این مقاله دولت مطلقه در نظر گرفته شده که بر این اساس دولت مطلقه شامل مدیران (نخبگان اداری)، ارتش، سیستم اداری و بوروکراسی و دستگاه قضایی می‌باشد.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش به صورت تاریخی و تکنیک اسنادی است. در این تحقیق با مراجعه به کتابهایی

تاریخی و اسناد رسمی مربوط به دوران پهلوی اول تلاش بر این است که تاثیر قدرت سیاسی بر شهرنشینی و شهرسازی مورد بررسی قرار گیرد. و شیوه تحلیل اطلاعات نیز توصیفی و تاریخی است. در این پژوهش مهمترین منابعی که مورد استفاده قرار گرفته است؛ کتابها، مقالات و مجلاتی هستند که به بررسی مقوله قدرت و قدرت سیاسی در عصر پهلوی اول پرداخته اند و از آنجا که قدرت سیاسی در این مقاله دولت مطلقه در

چارچوب نظری

در این مقاله چارچوب نظری براساس نظریه قدرت مطلقه می‌باشد. مطلقه^۱ و مطلق‌گرایی^۲ از ریشه لاتینی absoluta، به معنای نامحدود گرفته شده است. بنابراین، دولت مطلقه به شکلی از دولت اطلاق می‌شود که در چارچوب آن قدرت سیاسی نه تقسیم می‌شود و نه محدودیتی دارد. دولت مطلقه بدون هیچ مانع و محدودیتی اعمال قدرت می‌کند. گرچه این اعمال قدرت به واسطه یک دستگاه اداری صورت می‌گیرد، این دستگاه کاملاً به دولت یا حاکم مطلقه متعلق است و هیچ شأن و قدرت مستقلی ندارد. دولت مطلقه هیچ

وزیر دادگستری، احتمالاً با پیش بینی آن که مغضوب یا کشته شود، خودکشی کرد. سید حسن تقی زاده، مقام سفارت خود در پاریس را از دست داد و از بازگشت به ایران عذر خواست. محمد فرخی، شاعر بزرگ حزب سوسیالیست، در بیمارستان زندان درگذشت. سید محمد تدین که در حزب تجدد و مبارزه برای جمهوری نقش مهمی ایفا کرده بود از کابینه اخراج و زندانی شد. (کاتم، ۱۳۷۱: ۴۲-۴۱)

۲- ارتش

تمرکز قدرت، وحدت و امنیت ملی، انجام اصلاحات و ایجاد نظام دیوانی مدرن در عصر رضا شاه همگی نیازمند استقرار ارتش جدید بودند. با تأسیس ارتش جدید، رضاشاه در واقع آرزوی بسیاری از مصلحین ایرانی از عباس میرزا و میرزا تقی خان امیرکبیر گرفته تا روشنفکران صدر مشروطه را برآورده می‌ساخت.

در سال ۱۳۰۱ ش، ارتش منظم و جدید ایران بعد از ادغام تمام نیروهای نظامی (بریگاد قزاق، ژاندارمری و گارد محافظ کاخ)، با تشکیلاتی همچون وزارت جنگ و شورای عالی جنگ، بنیان گذاشته شد. این ارتش با جذب امکانات مالی، افزایش تعداد افراد به واسطه اجباری شدن خدمت نظام وظیفه در مجلس پنجم، خرید سلاحهای جدید و آموزشهای مدرن در ایران به قدرت برتر و به ستون مهم حمایتی رضا شاه در تحولات سیاسی تبدیل شد. به موازات این تحولات، و در کنار تأسیس دانشکده افسری، کشور به شش منطقه نظامی تقسیم گردید. (ایوانف، ۱۳۵۶: ۷۵)

رضا شاه قبل از رسیدن به سلطنت و بعد از آن، مرتب بودجه‌های نظامی را در جهت تقویت هر چه بیشتر ارتش و قدرت مطلق شخصی اش افزایش می‌داد؛ به طوری که بودجه وزارت جنگ از سال ۱۳۰۷-۱۳۱۲ ش به بیش از چهل درصد کل بودجه عمومی دولت می‌رسید. هزینه‌های نظامی در سالهای ۱۳۱۳-۱۳۱۷ ش حدود ۲۶-۳۸ درصد کل بودجه عمومی دولت بود و از ۱۳۱۸ تا خروج او از کشور در سال ۱۳۲۰ ش، به بیست درصد رسید. ارقام رسمی بودجه نشان می‌دهد که به طور متوسط ۵/۳۳ درصد کل درآمد دولت در فاصله سالهای ۱۳۰۵-۱۳۲۰ ش صرف ارتش شده است. به علاوه بخش بزرگی از درآمد نفت (که در بودجه ذکر نمی‌شد) صرف خرید تجهیزات گران قیمت تسلیحاتی و ایجاد صنایع کوچک مهمات‌سازی در تهران و شهرهای دیگر می‌شد. (کرونین، ۱۳۷۷: ۱۲۱-۱۳۱)

نظر گرفته شده؛ بر این اساس دولت شامل مدیران (نخبگان اداری)، ارتش، سیستم اداری و بووکراسی و دستگاه قضایی می‌باشد. همچنین از مقالات و کتابهایی که در ارتباط با شهرسازی و شهرنشینی و کلاً تاریخ سیاسی و اجتماعی دوره پهلوی اول می‌باشد بهره گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

۱-مدیران (نخبگان اداری)

منظور از مدیران (نخبگان اداری) در این پژوهش، افرادی هستند؛ که در نهادهای دولتی به طور رسمی و با نظارت شخص شاه زمام امور سیاسی را در دست دارند. به نوشته ماروین زونیس، قدرت سیاسی نخبگان قدرتی است که در درون نظام سیاسی اعمال شده و نظام سیاسی به عنوان الگویی از کنشهای متقابل بین بازیگران قدرت تعریف شده است. (زونیس، ۱۳۸۷: ۲۵) اطراف خانواده پادشاه را نخبگان درباری گرفته اند. نخبگان درباری حضور چشمگیر و تعیین کننده‌ای در سازمانهای سیاسی کشور دارند و شاه با توجه به اعتمادی که نسبت به آنها دارد از آنان از یکسو برای اداره امور سیاسی و از سوی دیگر به عنوان نیروهای کارآمد و وفادار جهت نفوذ در شخصیتها و گروههای اجتماعی و غیر رسمی استفاده می‌کند. (ادیبی، ۱۳۵۸: ۱۱۶)

نخبگان اداری حرفه‌ای جدید، که در دستگاه دولت مدرن موقعیت کلیدی را اشغال کردند، نقش محوری در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران عصر پهلوی ایفا کردند. یک ناظر غربی کمتر از یک دهه پس از کودتای ۱۲۹۹ در نوشته‌های اظهار کرد که این طبقه «... هرچند به لحاظ تعداد اندک هستند، امروزه در همه ابعاد زندگی تفوق یافته‌اند. اعضای این طبقه، یک الیگارشسی را تشکیل می‌دهند که بر انتخابات نظارت دارند، مدیریت امور دولتی را به عهده دارند و در تعیین سیاست ملی چه با روش‌های قانونی و چه غیر آن حرف آخر را می‌زنند» بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، نخبگان اداری جدید بر مجلس، دولت و موقعیت‌های کلیدی در احزاب سیاسی تحت حمایت دولت و صنایع دولتی تسلط یافتند. (اشرف، ۱۳۸۸: ۷۹)

در واقع نخبگان و روشنفکران از برنامه نوسازی و صنعتی کردن کشور توسط رضا شاه و نوعی سوسیالیسم او حمایت می‌کردند، اما با روش دیکتاتوری او موافق نبودند و این عدم توافق در نهایت موجب گسست میان این افراد با دولت مطلقه شد. برای مثال علی اکبر داور

رضا شاه از این ارتش به عنوان یک ستون حمایتی در جهت دستیابی به امنیت و سرعت بخشیدن به آهنگ نوسازی و توسعه اقتصادی کشور استفاده کرد.

۳- سیستم اداری و بوروکراسی

در کنار ارتش، سیستم اداری و بوروکراسی دومین رکنی بود که رضا شاه سعی داشت با نوسازی و گسترش آن پایه‌های دولت مطلقه خود را تقویت و مستحکم نماید. برخلاف دوران قاجار که دستگاه دیوانی و اداری، تیول شاهزادگان قاجاری و دودمانهای دیوانی قدیمی بود، در زمان رضاشاه حدود نود هزار کارمند حکومتی تمام وقت که اکثراً از طبقه متوسط تحصیل کرده و نیز لایه‌های پایینی جامعه بودند، در ده وزارتخانه داخله امور خارجه، عدلیه، مالیه، تجارت، پست و تلگراف، کشاورزی، راه و صنعت مشغول به کار شدند. (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۱۷۰) به مانند وزارت داخله که بر پلیس، اداره امور داخلی، خدمات پزشکی، انتخابات سربازگیری نظارت داشت، وزارتخانه‌های دیگر نیز کاملاً بازسازی شدند. همچنین دولت سعی نمود با برهم زدن تقسیمات کشوری عصر قاجاری، کنترل دولت مرکزی بر مناطق کشوری را آسان و امکانپذیر نماید. تقسیمات کشوری عصر قاجار که از چهار ایالت بزرگ و ولایت‌های کوچک متعدد تشکیل می‌شد منسوخ و به جای آن یازده استان، چهل و نه شهرستان و تعداد زیادی بخشی و دهستان را به وجود آمد که زیر نظر وزارت داخله اداره می‌شدند. (مکلیف، ۱۳۵۸: ۷۲)

این برای نخستین بار در دوران جدید بود که دولت مرکزی توانست با استفاده از نظام اداری سلسله مراتبی و وابسته به شخص رضا شاه بر استانها، شهرستانها و حتی برخی روستاهای بزرگ تسلط یابد. «رضاشاه علاوه بر نوسازی و گسترش نظام اداری، تلاش نمود با وابسته کردن کارمندان از نظر مالی به دولت توانایی انتقاد این گروه از سیاست‌های حاکمیت را به شدت کاهش دهد و آنها را به تملق گویان و بله قربان گویان دولت مطلقه خویش مبدل سازد. در این حالت تشکیلات اداری و بوروکراسی دولتی می‌توانست حکم اقیانوسی را یابد که دولتمردان و نخبگان بالقوه مخالف دولت را در خود غرق کند». (ازغندی، ۱۳۷۶: ۱۰۲).

۴- مجلس

از تاریخ تاسیس نظام مشروطیت و استقرار قانون اساسی تا پایان سلطنت محمدرضا شاه بیست و چهار

دوره قانونگذاری سپری شد. در این مدت، تحولاتی در ماهیت سیاسی و اجتماعی قوه مقننه به وجود آمد که نیت خوشبینانه و مترقی مشروطه طلبان را زیر سوال برد. قانون اساسی و متمم آن قدرت فوق العاده‌ای به مجلس و نمایندگان مردم داده بود، با این امید که از قدرت طلبی‌های دربار و شخص شاه جلوگیری کند و قوه مجریه را تحت نظارت داشته باشد. «چنین پنداشته شد که یک مجلس قوی به صورت یک کانون همبستگی و وفاداری ملی در خواهد آمد که به آسانی در برابر فشارهای داخلی یا خارجی آسیب پذیر نخواهد بود». (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۵)

در حالی که به علل و عوامل ساختاری متعددی فعالیت مجلس به تدریج محدود شد و نمایندگان کارایی قانونی خود را از دست دادند و به جای دفاع از حقوق موکلان خود بر ضرورت حفظ سلطنت پرداختند.

با تضعیف مجلس از سوی شخص شاه نهادهای مشارکت قانونی از کار افتادند و جناح مخالف (چه در داخل و چه در جامعه) قدرت حضور در صحنه سیاسی را از دست داد و بدین ترتیب، نمایندگان به ابزاری در راستای تایید و تصویب طرحها و لوایح پیشنهادی تبدیل شدند و کاملاً در اختیار قوه مجریه قرار گرفتند. البته نباید فراموش کرد که رضا شاه چنین تصور می‌کرد که پی ریزی دولت مدرن و نوسازی اقتصادی و اجتماعی جامعه تنها از راه سرکوب نهادهای دموکراتیک از جمله مجلس دست یافتنی است، غافل از آنکه بکارگیری زور به عنوان عمده ترین شیوه رابطه با مردم و جامعه برای وادار کردن دیگران به اطاعت، نتایج سیاسی جبران ناپذیری به بار می‌آورد-که آورد. (جامی، ۱۳۶۷: ۱۴۱-۱۳۶)

از مجلس اول تا پنجم سیاستمداران مستقل در شهرها رقابت می‌کردند و منتقدان روستایی، افراد تحت فرمان خود را مانند گله‌های گوسفند، به صفوف رای گیری می‌آوردند، اما در شانزده سال بعدی، شاه، نتایج انتخابات و در نتیجه ترکیب هر مجلس را تعیین می‌کرد. بنابراین مجلس دیگر نه یک نهاد مفید و موثر بلکه نهادی بی خاصیت بود و به صورت لباس آراسته درآمده بود که بدن عریان حکومت نظامی را می‌پوشاند. رضا شاه چارچوب نمادی و تشریفاتی حکومت پارلمانی را از میان برداشت لیکن سبک حکومت، با روش استبدادی دوران قبل از مشروطه زیاد متفاوت نبود. (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۳).

پایمال شدن دستوردهای مشروطه و از بین رفتن نظام پارلمانی در حقیقت از مجلس پنجم آغاز شد. در

انتخابات دوره پنجم مجلس، رضاخان مداخلات مستقیم به عمل آورد. از انتخاب مخالفین شخصی خود جلوگیری کرد و قانون اساسی را زیر پای گذاشت. مجالس هفتم تا یازدهم را می‌توان آرامترین و مطیع‌ترین و در عین حال بی‌اثرترین مجالس عصر رضا شاه دانست؛ حتی رضا شاه یکبار به صراحت گفته بود افرادی که لایق هستند به کارهای اجرایی بفرستید و افرادی که از آنها کاری نمی‌آید، به مجلس بفرستید. (پیتراوری، ۱۳۶۳: ۴۹)

رضا شاه با تبدیل مجلس به نهادهای مطیع و تشریفاتی می‌توانست وزراء دلخواه خود را دست چین کند. در شرایطی که پادشاهان گذشته پس از مشورت‌های بسیار با سیاستمداران برجسته، کابینه خود را تشکیل می‌دادند. رضا شاه روش جدیدی معمول کرد که براساس آن ابتدا نخست وزیر و همه وزرای دیگر را انتخاب می‌کرد و سپس برای اخذ رای اعتماد که اقدامی لازم ولی بی‌اهمیت بود، آنان را به مجلس می‌فرستاد، او مجلس را به چشم یک جمع خسته کننده و در عین حال بی‌آزار می‌دید و به این ترتیب رضاخان خود را در مرکز حیات سیاسی و اقتصادی قرار داد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۶-۱۷)

یکی از وزراء رضا شاه پس از چند سال اظهار می‌کند: «از آنجا که شاه اصرار داشت تا همه کارهای اجرایی، باید توسط قوه مقننه تصویب شود، مجلس به مکانی برای اعمال تشریفاتی تبدیل شده بود.» (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۱۷۲)

وضع مجلس و نفوذ رضا شاه در آن را می‌توان بسیار شفاف، در نامه‌ای که سفیر انگلیس در سال ۱۳۰۵ به کشور متبوعش گزارش می‌دهد مشاهده کرد.

«مجلس ایران را نمی‌توان جدی گرفت، نمایندگان مجلس، نمایندگان آزاد و مستقلی نیستند و انتخابات مجلس آزادانه برگزار نمی‌شود. هنگامی که شاه طرح یا لایحه‌ای را مد نظر دارد، تصویب می‌شود؛ زمانی که مخالف است رد می‌شود؛ و هنگامی که بی‌اعتنا است بحث‌های فراوانی درباره لایحه مورد نظر صورت می‌گیرد.» (همان: ۱۷۲)

۵- سیستم قضایی

وزیر عدلیه رضا شاه، میرزا علی اکبر خان داور، به موجب قانونی که در مجلس به تصویب رساند، اجازه و اختیارات تام گرفت تا ضمن اصلاح ساختار وزارت دادگستری، در چگونگی محاکمات و استخدام اعضای عدلیه تغییر ایجاد کند. به عبارت دیگر، وی مسئول شد

که تشکیلات پیشین وزارت دادگستری را تعطیل و آن را از نو بنیان نهد. وی توانست طی شش سال و هشت ماه، نظام قضایی و محکم عدلیه دوران قاجار را که به وضوح یکی از فاسدترین بخش‌های نظام اداری کشور شمرده می‌شد، دگرگون و بازسازی کند. (فلور، ۱۳۸۸: ۹-۱) اصلاح نظام قضایی در سال ۱۳۰۷ با تصویب قانون دفاتر اسناد رسمی به اوج خود رسید و ساختار اداری بسیاری از محاکم نیز تغییر یافت. بسیاری از روحانیون مجبور شدند لباس رسمی خود را کنار نهند تا به استخدام درآیند. شروط استخدامی برای قضاوت تغییر یافت و گذراندن دست‌کم سه سال تحصیلات حقوق در دانشکده حقوق تهران یا گذراندن آزمون ویژه در زمینه حقوق ایران و حقوق خارجی (برای قضات سابق وزارت عدلیه) الزامی شد (متین‌دفتری ۱۳۲۲: ۱).

در یک دسته‌بندی کلی، منابع نیروی انسانی جدید در وزارت کشور عبارت بودند از: ۱- روحانیون و مدرسان حوزه علوم دینی که مدارج عالی داشتند؛ ۲- کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی به ویژه وزارت خارجه، دارایی و معارف؛ ۳- تحصیل کرده‌های فرهنگ؛ ۴- مستوفیان سابق وزارت مالیه؛ ۵- نمایندگان مجلس و تحصیل کردگان مدرسه عالی حقوق (فلور، ۱۳۸۸: ۱۳)

به رغم تغییرات وسیع و اصلاحات در نظام اداری قضایی و آثار مهمی که در پی داشت، نظام دولت خودکامه همچنان چرخه باطل خود را حفظ کرده بود. سرانجام، داور نیز که معمار دادگستری نوین در ایران بود و بعدها عهده‌دار مقام وزارت دارایی هم شد، در سال ۱۳۱۶ به دلیل اختلافاتش با شاه به ظاهر درباره سیاست گذاری‌های اداری اقتصادی کشور، خودکشی کرد (فوران، ۱۳۸۸: ۳۳۳). اصولاً سیاست مردان کشور به علت استقلال رأی و ظرفیتی که برای تدوین و اجرای برنامه‌های اصلاحی نسبتاً ریشه دار داشتند، به سرعت مورد بدگمانی رضا شاه قرار می‌گرفتند و به دستور او از گردونه قدرت به خارج پرتاب می‌شدند.

مقایسه زندگی شهری و روستایی

شهرها در آغاز دوره بیست ساله تنها ۴۸ درصد از جمعیت کشور را در بر می‌گرفتند. با این وجود تقریباً تمامی اقدامات و تحولات دوره رضا شاه در شهرها روی داد. مهمترین نقش اقتصادی شهر در این دوران، نقش تجاری آن بود. تمرکز و مبادله مازاد اقتصاد کشاورزی روستا وظیفه‌ای بود که تجار شهری آن را به اتمام می‌رساندند. در عین حال نقش تجارت خارجی در شهر

نگاهی به لیست اعتبارات عمرانی دولت رضاشاه در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۱۲ نیز نشان می‌دهد از میان وزارتخانه‌های موجود، بیشترین اعتبار به وزارت راه (۲۳/۷ درصد از کل اعتبارات دوره مزبور) و سپس به وزارت صنایع و بازرگانی (۱۹ درصد) اختصاص داشته است. میانگین اعتبارات وزارت کشاورزی در دوره مزبور تنها ۲/۵ درصد بوده است. (همان: ۱۸۳)

در برابر این اقدامات که منجر به تضعیف بخش کشاورزی می‌گردید، رضاشاه احداث کارخانجات جدید را بطور جدی پیگیری کرد. بطوری که در اثر تلاشهای وی تعداد آنها در فاصله ۱۲۲۰-۱۲۱۰ ه.ش، از ۹۳ واحد به ۱۷۳۵ واحد افزایش یافت. (رزاقی ۱۳۶۷: ص ۱۰-۶).

توجه بیش از حد به راهها از جمله فعالیتهایی بوده است که زمینه گسترش تجارت و پیوستن به تجارت جهانی را در این دوره فراهم آورده است. ورود وسایل نقلیه در همین راستا به سرعت افزایش یافت بطوری که تعداد آن از یک اتومبیل در سال ۱۲۸۹ به ۸۰۰۰ اتومبیل و ۶۰۰۰ کامیون در سال ۱۳۰۸ رسید. در حالی که گسترش جاده‌های اتومبیل رو به سرعت پیگیری می‌شد؛ خطوط راه آهن نیز از نظر دور نماند. اهمیت راهسازی موجب شد تا در سال ۱۳۰۲ اداره‌ای به نام «طرق و شوارع» در وزارتخانه «فوائد عامه» به وجود آید. این اداره تا سال ۱۳۱۷ موفق به احداث ۲۲۴۰۰ کیلومتر راه جدید در کشور گردید. تحولات عمده اقتصادی - اجتماعی کشور از آغاز قرن حاضر تا ۱۳۲۰ را دکتر رزاقی چنین خلاصه می‌کند:

طی دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰، وقوع جنگ جهانی دوم و رکود اقتصادی کشور و کاهش تجارت محصولات کشاورزی، روستاها را با مشکلات جدیدی مواجه کرد. شهرها گرچه خود دچار رکود نسبی بودند، لیکن در عین حال پذیرای روستائینی بودند که به دلیل کاهش صادرات محصولات کشاورزی، جزء بیکاران روستایی به شمار می‌رفتند. بنابراین از دوره مذکور است که جمعیت شهری کشور رو به تزاید می‌گذارد. کشاورزی نیز به عنوان فعالیتی که تا پیش از سال ۱۳۰۰ ه.ش حدوداً ۷۰ درصد تولیدات ملی کشور را تامین می‌کرد از همین زمان به حاشیه رانده شده و درآمدهای نفتی بخصوص از سال ۱۳۳۲ جایگزین آن می‌شود. (حسامیان، فرخ (و دیگران) (۱۳۸۸): ص ۳۷-۵۰)

روز افزون بود بنابراین تجار شهری از یک طرف با روستا ارتباط داشتند و محصولات آنان را برای مصرف داخلی خریداری می‌کردند و از طرف دیگر محصولات تجاری مانند پنبه، تریاک، تنباکو و خشکبار را به خارج صادر می‌کردند. البته قبل از این دوره نیز شهرها چنین نقشی را برعهده داشتند اما در این دوران گسترش راههای مواصلاتی بین شهرها، استفاده از وسایل نقلیه موتوری، ایجاد راه آهن و بهبود راههای داخل شهرها باعث یکپارچگی بازار شهری و افزایش قدرت آن شد. (توسلی ۱۳۶۹: ۷۹)

«دستاوردهای اقتصادی زمان شاه حاصل برخورد معقول و متناسب... با پیشرفتهای اقتصادی نبود و جملگی ازمحل درآمد نفت و مالیاتهای غیر مستقیم که بار آنها به دوش مردم عادی بود پرداخت می‌شد. هرگونه سرمایه گذاری به جاده‌ها، کارخانه‌ها، مدرسه‌ها و بانکها می‌انجامید. با این همه تردید نمی توان داشت که رشد کل تولید و درآمد قابل توجه بوده اما برندگان اصلی اقشار مرفه تهران و چند شهر عمده دیگر بودند و از این میان بهترین سود را اقشار بالا، بوروکراسی دولتی و شرکای تجاریشان بردند، هر چند تاجران و واسطه‌ها نیز از آن بی بهره نماندند.» (کاتوزیان، ۱۸۵: ۱۳۶۶).

در این دوره بیشتر به بخش صنعت و تجارت توجه می‌شد که نهایتاً به سود سرمایه داران و تجاری تمام می‌شد که در تهران و یا چند شهر بزرگ دیگر ایران سکونت داشته اند. همچنین، اموری که در آنها سرمایه گذاری می‌شد مانند کارخانه‌ها، مدرسه‌ها و بانکها، جایگاهشان در شهرها و به سود آنها بوده است. کاتوزیان در این مورد می‌نویسد: «کشاورزی بر روی هم کمک چندانی دریافت نکرد و مناسبات حاکم بر آن دقیقاً به همان حال باقی ماند که قرن‌ها دچارش بود. اما دامنه تبعیض مداوم و همه جانبه‌ای که علیه روستائیان اعمال می‌شد تنها در تمرکز سرمایه گذاری دولتی در صنایع تبلور نمی یافت و بسیار فراتر از آن می‌رفت. دولت خریدار و توزیع کننده انحصاری محصولات عمده کشاورزی شامل گندم و جو بود که غذای اصلی مردم را تشکیل می‌داد. بدین سان دولت به عنوان خریدار انحصاری، قیمت محصولات کشاورزی را در پایینترین حد ممکن و شرایط مبادله داخلی را پیوسته بر ضد جمعیت روستایی نگاه می‌داشت... هدف این سیاست ناعادلانه، کاهش مصرف دهقانان به نفع تهران و یکی دو شهر دیگر بود.» (همان: ۱۸۶-۱۸۵)

قوانین شهری و شهرسازی

اولین قانون شهرسازی ایران در سطحی بسیار مقدماتی و احتمالاً بدون استفاده از مطالعات و قوانین شهرسازی سایر کشورها در سال ۱۳۱۲ از تصویب مجلس گذشت. این مصوبه "قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابانها" نام داشت. در تیرماه ۱۳۲۰ قانون مذکور تحت عنوان "قانون توسعه معابر" اصلاح گردید و مورد تجدید نظر قرار گرفت. (شوای، ۱۳۷۵، ص ۱۳)

قانون احداث و توسعه معابر اولین قانون شهرسازی ایران محسوب می‌شود با تصویب این قانون، فعالیت شهرداریها برای ایجاد و تعریض معابر تشدید شد زیرا برخی از مشکلاتی که به موجب فقدان چنین قانونی به وجود آمده بود، برطرف شد. قانون دیگری که از اهمیت بسزایی برخوردار بود قانون ثبت املاک بود که در سال ۱۳۰۷ مقارن با آغاز فعالیتهای شهرسازی به تصویب رسید. همچنین دو قانون تعدیل اجاره بها و تاسیس بانک رهنی در سال ۱۳۱۷ به تصویب رسیدند که قانون اول مربوط به اجاره بها و تعدیل روابط مالک و مستاجر و قانون دوم در ارتباط با تامین مسکن بود. (شجیعی، ۱۳۵۵، ۱۵۸)

تغییرات و شهرسازی مدرن در ایران

در دو دهه سلطنت رضاخان (۱۳۲۰-۱۳۰۴) دولت ایران تعیین کننده سبک معماری بود و اغلب پروژه‌های معماری را نیز دولت اجرا می‌کرد (معرفت، ۱۳۷۵، ص ۱۳۸-۱۰۳) مرحله اول صنعتی شدن ایران در این دوره آغاز شد. کارخانه‌های سیمان، بلورسازی، چیت سازی، اسلحه سازی و کارخانجات دخانیات در پیرامون تهران ساخته شد. اینها و برخی دیگر از ساخت و سازها با معماری نوین غربی، چهره شهر را دگرگون و تهران به شکل یک شهر جدید درآمد. (سعید نیا، ۱۳۷۶، ص ۵۵-۱۱)

یکی از تاثیرات جنبی برنامه احداث ساختمانهای دولتی توسط رضاشاه، افزایش چشمگیر انواع مصالح ساختمانی بود. مصالح جدید، بویژه بتن و فولاد و شیشه، و روشهای نوآورانه در اجرای مصالح سازه جایگزین مصالح و روشهای قدیمی شد. اصول اساسی طراحی که قرنهای متداول بود، تغییر کرد و در مواردی نیز طرحهای اساساً متفاوتی برای جانمایی فضاها، جای آنها را گرفت. مهمترین تغییر، ناشی از استفاده از بتن بود. استفاده از بتن در این دوره سبب شد که نسل جدید معماران ایرانی

وارد جریان جهانی مدرنیسم شوند. اشکال دایره ای، دهانه‌های عریض و پلان‌های باز، عرصه‌هایی بودند که بتن زمینه ورود به آنها را فراهم آورد. به این ترتیب سبک معماری جدیدی به وجود آمد که به معماری سیمانی معروف شد. بسیاری از مصالح دیگر نظیر فولاد و شیشه که ابتدا در ساختمانهای دولتی به کار می‌رفت، در معماری مسکونی نیز مورد استفاده قرار گرفت. جام‌های بزرگ شیشه برای پنجره‌ها، به جای پنجره‌های ارسی و شیشه مستطیلی کوچک به کار گرفته شد. از موزائیک سیمانی برای پوشش کف تراسها، حیاط و کف داخل خانه‌ها استفاده شد. در دوره پهلوی، استفاده از مصالح جدید سبب شد که امکان ساخت انواع خانه‌های مدرن به وجود آید و به این ترتیب چهره بناها و شهر برای همیشه تغییر کرد. اقدامات انجام شده در دهه ۱۳۲۰ را می‌توان به قرار زیر خلاصه نمود:

الف- احداث خیابانها و میدانها با وسعت کافی و متناسب با نیازهای شهرسازی آن زمان در قلب شهرها و مخصوصاً محلهای قدیمی و نامتناسب با اصول شهرسازی آنها تا انتهای شهرها.

ب- احداث خیابانهای کمربندی در اطراف شهرهای بزرگ به عنوان خیابان دور شهر که اکثراً حالت مستقیم شمال، جنوبی یا شرقی، غربی داشت و گاهی نیز در بعضی از نقاط اطراف شهر به صورت قوسی شکل بود. محدوده خدماتی شهر توسط همین خیابانها تعیین می‌شد.

ج- تخریب محلهای غیر قابل اصلاح و هم چنین گورستان‌هایی که در مرکز شهرها قرار گرفته بود و تبدیل کردن آنها به پارک عمومی.

د- تشویق و گاهی وادار کردن مردم شهر به زیباسازی ساختمانها، مخصوصاً ساختمان‌هایی که در مجاورت خیابانهای احداث شده یا توسعه نیافته قرار می‌گرفت.

ه- مشخص کردن نقشه گذربندهای مناسب در اراضی وسیع که مورد ساخت و ساز قرار نگرفته بود و در محدوده شهر یا مجاور آنها قرار داشت و احتمال توسعه و احداث ساختمان در آنها در دوره‌های میان مدت آینده داده می‌شد. (مجتهد زاده، ۱۳۷۸: ۷۸).

اقدامات انجام شده در زمان رضاشاه تغییرات فیزیکی بود که بدون توجه به نتایج اقتصادی و اجتماعی آن انجام می‌شد. این اقدامات به دنبال پیاده کردن الگوی مدرن سازی صورت گرفت. هدف این تغییر و تحولات ایجاد شهرهای مشابه با نمونه‌های غربی بود.

سبک‌های معماری در این دوره

در این دوره برای اولین بار با منازلی مواجه می‌شویم که خصلت دیرینه خانه ایرانی یعنی درونگرایی را ندارند. در این خانه‌ها که معمولاً در کنار خیابانهای نوساخته احداث می‌شدند به نامسازی توجه زیادی می‌شد. خودبسندگی معماری ایران که با استفاده از مصالح بوم آور مشخص می‌شد نیز در این دوره مورد تهدید قرار گرفت و استفاده از مصالحی نظیر آجر و گچ گسترش بیشتری یافت، این امر باعث افزایش قیمت تمام شده مسکن می‌گردید. این عامل به همراه افزایش جمعیت شهرهای بزرگ که خود سبب افزایش نرخ زمین گردیده بود، موجب بروز مشکلاتی در تامین مسکن و نیز گسترش اجاره نشینی و در مواردی حاشیه نشینی شد. چهار شکل معماری و یا شاید چهار سبک معماری در آماش فضای آن دوره قابل تمیز هستند:

۱- سبک بومی یا شیوه معماری نیمه دوم دوره قاجار، این شیوه عمدتاً از سوی طبقات متوسط جامعه در ساخت مسکن استفاده می‌شد.
 ۲- سبک اصطلاحاً «ملی» که به گونه‌ای مشخص بازگشتی به معماری ایرانی قبل یا بعد از اسلام است، نمونه‌های مشهور این شیوه را می‌توان در «شهربانی» «بانک ملی» «موزه ایران باستان» و... دید.

۳- شیوه کلاسیک اروپایی (معماری قرن نوزدهم) که عمدتاً در فضاهای شهری ساخته شده بوسیله شهردار یا دولت رخسار می‌نماید: میادین فردسی، حسن آباد از این موارد هستند.

۴- سبک نوین اروپایی که مخصوصاً در عملکردهای جدید دولتی و شهر بکار گرفته می‌شود. دانشگاه تهران، ایستگاه راه آهن، ژاندارمری کل کشور، کاخ دادگستری... نمونه‌های بارز این شیوه هستند. (حبیبی، شماره ۱۵، ص ۱۷)

این دوران که می‌توانست سرآغازی برای تبادل آگاهانه فرهنگی در عرصه معماری و شهرسازی باشد، تا حدی سر منشاء فروپاشی ارزشهای اصیل و تغییرات اساسی در حوزه شهری گردید. اگرچه معماری و شهرسازی خود این دوره هنوز درسهای بسیاری برای ما دارد. قطر دیوارها، اندازه پنجره‌ها و مبادی ورودی، نورگیری و تقسیم فضای داخلی درون خانه از یک تناسب نسبی برخوردار بود. (رهنمایی، ۱۳۶۷، ۸۸-۸۷) بدنه‌ها در میادین و خیابانها نیز چشم نواز و گیرا بود. اما شبه مدرنیسم بی حد و مرزی که در این

دوران متولد گردید در دوره‌های بعدی هرج و مرج و بی‌نظمی‌هایی را در ساختن چهره اصلی شهر بوجود آورد.

نتیجه گیری

دولت مطلقه همواره سعی داشت در عرصه مدیریت شهری قدرت خود را به نحوی در فضا متجلی سازد. این قدرت نمایی به صورتهای گوناگون از جمله در قالب قصرها و کاخهای باشکوه، معابد عظیم، قلعه‌های حصین، راهوارها و مرکوبهای فاخر، متجلی شده است. در این دوره بیست ساله برای تجلی کالبدی به عناصر خاصی توجه شده است که مهمترین آنها عبارت بودند از کاخها، مجسمه‌ها، پادگانها و همچنین اسامی شهرها، خیابانها و میادین.

پادگان نیز نماد دیگری از قدرت حکومت بود. در این مورد می‌توان به شهر مریوان اشاره کرد. حکومت وقت بعد از سرکوبی عشایر مریوان و اورامان و انتقال سران آنها به تهران پادگان بسیار بزرگی در این منطقه احداث کرد. وسعت این پادگان به حدی بود که کالبد قبلی را کاملاً تحت تاثیر قرار داد و عملاً آنرا به شهرکی نظامی مبدل ساخت. تغییر نام شهرها نیز گاهی در هنگام ورود رضاخان به شهرها برای جلب نظر وی و استفاده از امکانات حکومت انجام می‌پذیرفت.

یکی از دلایل اصلاحات اقتصادی رضا شاه را می‌توان در از دست دادن یکی از مهمترین بازارهای صادرات غیرنفتی خود در اتحاد جماهیر شوروی (به دلیل اتخاذ سیاستهای خود بسندگی اقتصادی توسط این کشور) و مقابله وی با تاثیرات نامطلوب ناشی از رکود بزرگ در سالهای ۱۳۳۰-۱۳۱۰ جستجو نمود. بدین ترتیب رضاشاه با توجه به فقدان گروههای نوساز و با تمرکز امور اجرایی که در سایه یک دیوانسالاری در حال رشد و ارتش مقتدر مدرن میسر شد، بنای یک برنامه نوسازی اقتصادی از بالا و زمینه انباشت اولیه ثروت در دهه مزبور را پی ریزی نمود.

اصلاحات رضاشاه در شهرسازی و گسترش شهرنشینی قابل تامل می‌باشد و این اصلاحات بسیاری از گروهها و طبقات اجتماعی را دربرگرفت. دهقانان در حد زیادی از اصلاحات رضاشاه بر کنار ماندند، و عشایر و ایلات بیرحمانه و به زور اسکان یافتند با ادامه این سیاست، از جمعیت و تولید عشایری در حد چشمگیری کاسته شد و زمینه مهاجرت و شهرنشینی بیش از پیش فراهم شد.

در این دوره قدرت سیاسی و دولت مرکزی با ایجاد تغییرات زیر بنایی در روشهای سیستم اداری در اداراتی مانند اداره ثبت اسناد و بانکها و... تمرکزش را در این سازمانها افزایش داد و از طرف دیگر نیز ادارات جدیدی مانند دادگستری و راه آهن ایجاد شدند. بدین صورت با تاسیس مراکز قدرت اداری همچون وزارتخانهها، سازمانهای مرکزی، ادارات مختلف و بانکهای متعدد که به تدریج احداث شدند، شکلی از بوروکراسی جدید در ایران به منصفه ظهور رسید. در طراحی و ساخت این مجموعه از بناهای عظیم، به طور عمده از معماران و شهرسازان غربی استفاده شد که آشنایی چندانی با معماری و شهرسازی سنتی ایران نداشتند. این افراد که علاقه وافری به معماری و شهرسازی مدرن داشتند از الگوهای به کار گرفته شده در معماری و شهرسازی مدرن غرب در طرحهای مذکور استفاده کردند.

منابع

آبراهامیان، یرواند، (۱۳۷۹)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم محمدی، چاپ پنجم، تهران، نشر نی

ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶)، ناکارآمدی نخبگان ایران بین دو انقلاب، تهران، انتشارات قومس

ایوانف، میخائیل سرگیویچ (۱۳۵۶)، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه، بی جا، انتشارات حزب توده

اشرف، احمد-بنوعزیزی، علی (۱۳۸۸)، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نیلوفر

آوری، پیتر (۱۳۶۲)، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی

ادیبی، حسین (۱۳۵۸)، طبقه متوسط جدید ایران، تهران: جامعه

بابائی، غلامرضا. آقائی، بهمن (۱۳۶۵)، فرهنگ علوم سیاسی، جلد اول، تهران، ویس

توسلی، محمود (۱۳۶۹)، اصول و روشهای طراحی شهری - جلد اول - وزارت مسکن و شهرسازی، تهران

جامی، (۱۳۶۷) گذشته چراغ راه آینده است، چاپ پنجم، تهران، ققنوس

حسامیان، فرخ (و دیگران) (۱۳۸۸)، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، تهران.

حبیبی، سید محسن. دولت و توسعه تهران. مجله محیط شناسی، شماره ۱۵، ص ۱۷

رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷)، اقتصاد ایران، تهران، نشر سخا.

رهنمایی، محمد تقی (۱۳۶۷)، روند مطالعات شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۱، ص ۸۸-۸۷

زونیس، ماروین (۱۳۸۷)، روانشناسی نخبگان ایران، مترجمان پرویز صالحی، سلیمان امین زاده، زهرا لباد سعید نیا، احمد (۱۳۷۶)؛ تهران پایتخت، کتاب تهران، انتشارات روشنگران، جلد ۶۵

شوای، فرانسواز (۱۳۷۵)؛ "شهرسازی تخیلات و واقعیات"، ترجمه محسن حبیبی، دانشگاه تهران، تهران، چاپخش

شجعی، زهرا. وزارت و وزیران در ایران. جلد اول - موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - تهران. ۱۳۵۵. ص ۱۵۸

عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)، بحران دموکراسی در ایران (۱۳۲۲-۱۳۲۰)، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران، انتشارات البرز

فلور، ویلهلم (۱۳۸۸) نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی، ترجمه حسین زندی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه فوران، جان (۱۳۸۸)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران

کرونین، استفانی (۱۳۹۳)، رضاشاه و شکل گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، جامی

کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۳)، دموکراسی، استبداد و نهضت ملی، تهران: نشر مرکز

کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: کویر

کاتوزیان، محمد علی (۱۳۶۶)، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا سقوط رضاشاه پهلوی)، ترجمه محمدرضا نفیس، انتشارات پایروس، تهران

گل محمدی، احمد (۱۳۹۲)، چیستی، تحول و چشم انداز دولت، تهران، نشرنی

مکلیف، س (۱۳۵۸)، استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، نشر شرکت سهامی

مجتهدزاده، غلامحسین (۱۳۷۸)؛ "برنامه ریزی شهری در ایران"، انتشارات پیام نور

معرفت، مینا (۱۳۷۵)؛ "پیش کسوتانی که به تهران مدرن شکل دادند، تهران پایتخت دو بیست ساله"، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهرداری تهران و انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران

متین دفتری، احمد (۱۳۲۲). آیین دادرسی مدنی و
بازرگانی، تهران: بی نا
وینست، اندرو (۱۳۷۶)، نظریه‌های دولت، ترجمه
حسین بشیریه، نشر نی، چاپ دوم، تهران
Robert H. Lowie, The origins of the state
,New York,1927

یادداشت‌ها

¹ *absolutist*

² *absolutism*